



نگاه چین به ابتکارهای صلح در اوکراین

نشست صلح اخیر اوکراین که کی‌یف به منظور اعمال فشار دیپلماتیک بر مسکو برای پایان دادن به جنگ تصمیم به برگزاری آن داشت، بدون حضور هیئت چینی برگزار شد. به نظر می‌رسد که حضور در چنین گردهمایی بین‌المللی مهمی می‌توانست برای چین سودمند باشد؛ بهبود روابط با اروپا، نمایش مخالفت با جنگ برای کشورهای جنوب جهانی و تقویت جایگاه خود به‌عنوان اصلی‌ترین جایگزین ایالات متحده در نظم جدید جهانی از جمله اتفاقاتی بود که می‌توانست برای چین در این نشست رخ دهد. اما چین به دلیل نگاه خاص خود به جنگ در اوکراین و نظم جهانی در حال تغییر از تمام این مزایا صرف‌نظر کرد.

در حالی که شرکای سنتی اوکراین در غرب همواره در کنار این کشور بوده‌اند، کی‌یف برای دستیابی به صلح، اجلاس را در سوئیس با چشم‌اندازی فراتر از این کشورها در نظر گرفت. هدف این نشست، گردهم آوردن رهبران کشورهای (یا حداقل مقامات ارشد) از سراسر جهان بود تا با اعمال فشار بین‌المللی مضاعف، مسکو را به پای میز مذاکره بکشاند. به همین دلیل، کی‌یف امیدوار به حضور رهبران کشورهای بود که معمولاً اقدام به اعمال فشار بر روسیه نمی‌کنند. در میان غایبان این اجلاس، چین از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود. کی‌یف برای ترغیب پکن به حضور در این نشست، حتی حاضر به کنار گذاشتن برخی از حساس‌ترین موارد از طرح صلح خود، از جمله عقب‌نشینی نیروهای روسی از خاک اوکراین، شده بود. با این وجود، چین تمایلی به حضور در این اجلاس نشان نداد و در نهایت، تنها سه موضوع از برنامه صلح زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، در این نشست مورد بحث قرار گرفت: امنیت هسته‌ای، امنیت غذایی و تبادل زندانیان.

غیبت چین در این اجلاس، سوالات متعددی را پیرامون انگیزه‌ها و استراتژی‌های این کشور در قبال بحران اوکراین برانگیخته است. برخی تحلیلگران معتقدند که چین به دلیل نگرانی‌های ژئوپلیتیکی و عدم تمایل به دخالت مستقیم در این مناقشه پیچیده، از حضور در این نشست خودداری کرده است. برخی دیگر، نارضایتی پکن از مواضع غربی‌ها در قبال جنگ اوکراین و روسیه را دلیل این غیبت می‌دانند. همچنین، احتمال دارد چین در حال حاضر به دنبال کسب امتیازات سیاسی یا اقتصادی از طرف‌های درگیر در این مناقشه باشد و حضور در این نشست را مغایر با این استراتژی بداند.

چین به‌رغم تلاش‌های گسترده آلمان، فرانسه و اوکراین، از حضور در اجلاس صلح اوکراین امتناع کرد و عملاً روسیه را در جایگاه برنده این صحنه قرار داد. پکن سه دلیل برای تصمیم خود ذکر کرد: اول عدم پذیرش فرمت اجلاس توسط هر دو طرف درگیر در مناقشه. به نظر چین، فرمت اجلاس مورد تأیید هر دو طرف درگیری یعنی اوکراین و روسیه نبوده است. دوم عدم دعوت از روسیه؛ چین بر لزوم حضور روسیه در چنین نشست‌هایی تأکید دارد. تمرکز صرف بر طرح صلح زلنسکی نیز مسئله دیگری بود که چین با آن مشکل داشت. چین معتقد است که در این اجلاس تنها بر نقاطی از طرح صلح زلنسکی تمرکز شده و ابتکارات صلح دیگر، از جمله طرح صلح چین، نادیده گرفته شده است.

دوماه پیش، شی‌جین‌پینگ، رهبر چین، در دیدار با اولاف شولتز، صدراعظم آلمان، به‌طور تلویحی اعلام کرد که عدم دعوت روسیه برای چین یک مسئله اصولی است. شی همچنین در مورد پایان دادن به درگیری، چهار خواسته دیگر را مطرح کرده است: کشورهای درگیر نباید در این مناقشه صرفاً به دنبال منافع خود باشند، نباید اقداماتی صورت گیرد که باعث تشدید درگیری شود، نباید اجازه داد تا این درگیری ابعاد گسترده‌تری پیدا کند. همچنین باید اقداماتی که باعث آسیب به اقتصاد جهانی می‌شود، اجتناب کرد. از نگاه پکن، موضع چین کاملاً روشن است. به نظر این کشور، کشورهای غربی به‌طور خودخواهانه از اعمال فشار بر کی‌یف امتناع می‌کنند و همچنان از خواسته‌های حداکثری اوکراین حمایت سیاسی به عمل می‌آورند. امتناع چین از شرکت در این اجلاس به معنای دوری گزیدن این کشور از تمامی مسائل مربوط به جنگ اوکراین نیست. به نظر می‌رسد پکن قصد دارد با کشورهای جنوب جهانی که مواضع مشابهی با پکن دارند، همکاری کند. چین پیش‌تر بیانیه‌ای مشترک با برزیل در مورد حل و فصل این درگیری منتشر کرده است که به ادعای این کشور، «توسط تعداد زیادی از کشورها تأیید شده است.»



محمدحسین لطف‌اللهی
سیاست‌مدار ایرانی

دنیای عصری پر از چالش را سپری می‌کند. اروپایی‌ها بسیار بیشتر از سال‌های گذشته نگران تهدید روسیه هستند. در خاورمیانه جنگی خونین ثبات و آرامش منطقه را تهدید می‌کند. سیاست خارجی چین روزبه‌روز تهاجمی‌تر می‌شود و قدرت جریان‌های راست‌گرای افراطی در غرب رو به افزایش است. با این وجود، برای بسیاری از سیاست‌گذاران در سراسر دنیا، هیچ تغییری مثل بازگشت دوباره دونالد ترامپ به کاخ سفید، نمی‌تواند نگران‌کننده باشد. این نگرانی بی‌مورد نیست. ترامپ در بیشتر نظرسنجی‌هایی که در سطح ملی در آمریکا برگزار می‌شود از جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا پیش است و پس از اولین مناظره انتخاباتی نیز این برتری را نه‌تنها در سطح ملی بلکه در سطح بیشتر ایالت‌های کلیدی «میدان نبرد» نیز تثبیت کرد. بازگشت او به معنای بازگشت یک ترومای قدیمی است؛ هنوز بسیاری، سیاست‌های ویرانگر ترامپ نظیر خروج از توافق آب‌وهوایی پاریس، خروج از برجام، خروج از نفتا، خروج از توافق نیواستارت با روسیه، اعمال تعرفه‌های سنگین برای واردات از اتحادیه اروپا و تهدیدهایی مانند خروج از ناتو را به یاد دارند. فقط یادآوری گذشته نیست که ریاست‌جمهوری دوباره ترامپ را به یک کابوس تبدیل می‌کند. او در کارزار انتخاباتی خود وعده‌هایی داده که اجرایی شدن آن‌ها باعث خواهد شد امنیت بسیاری از متحدان و دشمنان آمریکا هم‌زمان به خطر بیفتد. تهدید دوساره به خروج از ناتو، وعده پایان دادن به جنگ اوکراین در کمتر از ۲۴ ساعت، اظهارنظرها در حمایت از جنگ‌افروزی اسرائیل و تهدید ایران تنها گوشه‌های از موارد مطرح‌شده در کارزار انتخاباتی رئیس‌جمهور پیشین آمریکا هستند که شانس خوبی برای پیروزی دوباره در انتخابات و بازگشت به کاخ سفید دارد.

هرچند هنوز این احتمال مطرح است که مردم آمریکا بار دیگر جو بایدن - یا یک دموکرات دیگر را - به‌عنوان رئیس‌جمهور آینده انتخاب کنند اما نباید از مسیری که در صورت پیروزی ترامپ پیش روی جهان خواهد بود غافل شد. برای همین منظور، برخی سناریوها را که در صورت روی کار آمدن ترامپ و براساس وعده‌های او در انتظار نخواهد بود، بررسی کرده‌ایم.

درباره سیاستمدار

دونالد ترامپ به همان اندازه که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه را تحسین می‌کند، از اوکراین متنفر است. ریشه این تنفر به استیضاح نخست‌اوبازمی‌گردد؛ زمانی که ترامپ از همتای اوکراینی خود، ولودیمیر زلنسکی در خواست کرده بود درباره فعالیت‌های پسر بایدن تحقیق کرده و نتیجه تحقیقات را به دولت آمریکا بدهد تا بتواند در انتخابات از آن استفاده کند. افشا شدن این درخواست و جزئیات مکالمه‌ها و پیام‌های ردوبدل شده باعث شد که مجلس نمایندگان آمریکا، ترامپ را استیضاح کند. ترامپ در کارزارهای انتخاباتی وعده داده که «در ۲۴ ساعت» می‌تواند دو طرف را برای دستیابی به یک توافق به اجماع برساند. او انتظار دارد کشورهای اروپایی نیز فارغ از نگرانی‌های امنیتی نسبت به روسیه، پشت سر او به خط شوند. براساس شروط مطرح‌شده از سوی روسیه، تنها راهی که ترامپ می‌تواند در کوتاه‌مدت به جنگ اوکراین پایان دهد این است که با قطع کردن کمک‌های مالی به اوکراین و تهدید اروپایی‌ها برای قطع کمک‌ها به اوکراین، بخواهد زمینه را برای پایان جنگ با شرایطی که خوشایند روسیه باشد فراهم کند.

پوتین روز جمعه ۱۴ ژوئن شرایط جدید مسکو را برای پایان دادن به جنگ با اوکراین اعلام کرد؛ شرایطی که به سرعت توسط کی‌یف رد شد. پوتین گفت اگر اوکراین «جاه طلبی‌های» خود را در ناتو کنار بگذارد و نیروهای خود را از چهار منطقه اوکراینی که روسیه مدعی آن‌هاست، خارج کند، مسکو جنگ با اوکراین را پایان می‌دهد. رئیس‌جمهور روسیه در ادامه تصریح کرد که اگر اوکراین همه نیروهای خود را از چهار منطقه زاپوریژیا، لوهانسک، دونتسک و خرسون که روسیه از سال ۲۰۲۲ تا به امروز تحت کنترل خود درآورده است، خارج کند و همچنین متعهد شود که عضو ناتو نخواهد شد، مسکو بلافاصله مذاکره با کی‌یف را آغاز خواهد کرد. با این وجود، برخی کارشناسان معتقدند مواضع ترامپ در نخستین مناظره نشان می‌دهد او بر خلاف وعده غیرمنطقی و بی‌پایه و اساسی که می‌دهد، احتمالاً حاضر نخواهد بود که اشغالگری روسیه و انضمام بخش‌هایی از خاک اوکراین (۴ استان خرسون، زاپوریژیا، دونتسک و لوهانسک) به روسیه را به رسمیت بشناسد.

ترامپ در مناظره با بایدن شرط پوتین در خصوص خروج کامل اوکراین از استان‌های اشغال‌شده توسط روسیه را «غیرقابل قبول» خواند.

الکساندر مرزکو، رئیس کمیته سیاست خارجی پارلمان اوکراین در این خصوص به پلنتیکو گفته است: «حداقل به نظر می‌رسد نشانه‌هایی وجود دارد که قرار نیست ترامپ حامی تسلیم اوکراین و عقب‌نشینی سرزمینی در برابر روسیه باشد. او هنوز بر این باور است که می‌توان از طریق یک توافق پوتین را قانع کرد که عقب‌نشینی و به جنگ پایان دهد.» به گفته مرزکو، اگر ترامپ رئیس‌جمهور شود خیلی زود خواهد فهمید که این یک رویاست و پوتین به توافقی که شامل نابودی استقلال و تمامیت ارضی اوکراین نباشد، علاقه‌ای ندارد.

آندری تاناسیوک، روزنامه‌نگار اوکراینی درباره رویکرد ترامپ در قبال اوکراین و سیاست‌های پیشنهادی رئیس‌جمهور پیشین آمریکا درباره جنگ روسیه و اوکراین می‌گوید: «همه آنچه او وعده داده و گفته است یکسری اظهارنظرهای فاقد ارزش و پوپولیستی است که هیچ مسیری را به سوی صلح هموار نمی‌سازد و فقط روی کاغذ می‌تواند برای برخی از رأی‌دهندگان آمریکایی جذاب باشد.»

اندیشکده شورای اروپایی روابط خارجی در مقاله‌ای پیش‌بینی کرده است که مسیر ترامپ در صورت پیروزی احتمالی در انتخابات نوامبر ۲۰۲۴، حرکت به سوی «توافق مینسک ۳» خواهد بود. پس از آغاز بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴، دو توافق مینسک ۱ و مینسک ۲ به امضا رسید تا از روند تشدید تنش در این منطقه جلوگیری شده و شرایط برای حل و فصل سیاسی موضوعات فراهم شود. در مینسک ۱، اوکراین و جدایی‌طلبان مورد حمایت روسیه در سپتامبر سال ۲۰۱۴ میلادی در چارچوب یک توافق ۱۲ ماده‌ای، بر سر برقراری آتش‌بس به توافق رسیدند. برخی از مفاد این توافق عبارت بودند از: مبادله زندانیان، اجازه انتقال کمک‌های بشردوستانه و تخلیه تسلیحات سنگین. اما عمر این آتش‌بس، با نقض آن از سوی هر دو طرف، به سرعت پایان یافت.

با تشدید دوباره درگیری‌ها، این بار با حضور نمایندگان روسیه، اوکراین، سازمان امنیت و همکاری اروپا و رهبران دو منطقه جدایی‌طلب لوهانسک و دونتسک که طرفدار روسیه هستند، توافق جدیدی در فوریه ۲۰۱۵ میلادی در ۱۳ ماده امضا شد. رهبران آلمان، فرانسه، روسیه و اوکراین که هم‌زمان در مینسک گردهم آمده بودند نیز با انتشار بیانیه‌ای از این توافق حمایت کردند. در توافق جدید، هر دو طرف درگیری و حامیان آنها متعهد به انجام برخی اقدامات سیاسی و نظامی نیز شده بودند که اجرایی نشد و در نهایت شکست

نسخه دوم ترامپ

آنچه باید در صورت پیروزی احتمالی نامزد جمهوری خواهان انتظارش را داشته باشیم

